مهدی پازوکی در گفت‌و‌گو با «آرمان ملی»:

دولت رئیسی با برجام راه را بر کاسبان تحریم ببندد

عکس: حجت سپهوند

- رئیسی در مسیر تعامل برای توافق حرکت کند
- دولت سیزدهم سیاست ضد تحریم را در پیش گیرد
- برجام از جنبه‌های مختلف به سود اقتصاد ایران است
- پایین آمدن قیمت ارز و تورم مهمترین پیامدهای برجامند

آرمان ملی- سجاد جنت آبادی: سیدابراهیم رئیسی در مناظره‌های انتخاباتی و اظهارات اخیر خود اولویت نخستش را بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم قلمداد کرده است؛ اتفاقی که مطالبه اصلی مردم از رئیس‌جمهور آینده کشور نیز به شمار می‌رود. با این وجود رویکرد دولت آینده در زمینه اقتصاد هنوز مشخص نیست و به همین دلیل افکار عمومی هنوز نمی‌داند رئیسی قرار است از چه راه و ابزاری مشکلات اقتصادی کشور را حل کند؛ مشکلاتی که در سال‌های اخیر از بسیاری جهات به سیاست خارجی ایران گره خورده است. این در حالـــی است که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران معتقدند بخش اعظمی از حل مشکلات اقتصادی کشور و بهبود وضع معیشتی مردم به تعاملات بین‌المللی، به ثمر رساندن مذاکرات احیای برجام و مهم‌تر از همه برداشته شدن تحریم‌ها از سر ملت ایران است. این مهم نیز با انتخاب تیمی توانمند در مذاکره در دستگاه سیاست خارجی از سوی رئیس جمهور ممکن می‌شود. هر چند که کار آمدی مدیران شایسته و اتخاذ تصمیمات درست و کارشناسانه در دولت نیز بخش مهم دیگری است که اگر به نحو درست و دقیق انجام شود می توان به بهبود وضع جامعه به لحاظ اقتصادی و معیشتی امیدوار بود. در این راستا برای بررسی چالش‌های پیش روی دولت سیزدهم، نوع تعامل با دنیا و تاثیر آن بر اقتصاد کشور و آینده اقتصادی ایران «آرمان ملی» با مهدی پازوکی اقتصاددان و استاد دانشگاه به گفت و گو پرداخته است که می خوانید.

مهمترین چالش دولت جدید را چه مسائلی می‌دانید؟

دولت آقای رئیسی باید برنامه‌هـــای اقتصادی خود را به کـــوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کند. اگـــر آقای رئیسی قصد دارد مشکلات اقتصادی را حل کند باید یک خط قرمز برای خـــود تعریف کند و آن اینکه حافظ منافع ملی مردم ایران باشد. تنها در چنین شرایطی است که می‌تواند به وعده‌های اقتصادی‌ای که به مردم داده، عمل کند. مهم‌ترین مسأله برای دولت جدید تعامل با جهان است. این تعامل نیز به معنای وادادگی نیست؛ بلکه به معنای ارتباط و مراوده تجاری و اقتصادی است. تعامل به معنای رویکرد منطقی در راستای تحقق منافع ملی مردم ایران است. منظور بنده از جهان نیز تنها آمریکا نیست. اتحادیه اروپا، ژاپن، کره‌جنوبی و برخی از کشورهای آمریکایی کشورهایی هستند که می‌توانند رابطه اقتصادی مناسبی با ایران داشته باشند. اگر سیاست خارجی ما در خدمت توسعه و پیشرفت اقتصادی قرار داشته باشد قطعا قیمت دلار در بازار ایران به عنوان ارز مسلط بازارهای جهانی کاهش پیدا خواهد کرد. در چنین شرایطی تورم نیز در کشور کاهش می‌یابد. نکته دیگر اینکه دولت آقای رئیسی باید برجام را بپذیرد و به سمتی حرکت کند که در نهایت به توافق در مذاکرات برجام منجر شود. بدون تردید پذیرش برجام به سود اقتصاد ایران خواهد بود. به همین دلیل دولت آقای رئیسی باید در مسیری حرکت کند که در نهایت برجام به نتیجه برسد.

از دیدگاه شما اگر تحریم‌ها برداشته شود و برجام به نتیجه برسد، وضعیت اقتصادی ایران چگونه خواهد شد؟

در این زمینه چند سناریو وجود دارد. اگر دولت رئیسی برجام را بپذیرد و فروش نفت ایران دوباره از سر گرفته شود و روزانه حدود دو میلیون بشکه نفت بفروشد قیمت دلار در ایران حدود ۱۷ هزار تومان و نرخ تورم ۲۵/۶ خواهد بود. این وضعیت خوش‌بینانه‌ترین وضعیت است. حالت دوم زمانی رخ می‌دهد که صادرات نفت از دو میلیون بشکه به یک و نیم میلیون بشکه کاهش پیدا کند. در چنین شرایطی قیمت دلار در بازار ایران حدود ۲۳ هزار تومان و نرخ تورم حدود ۲۹/۳ خواهد بود. حالت سوم زمانی است که میزان فروش نفت ایران در روز به جای دو میلیون بشکه حدود یک میلیون بشکه باشد. در چنین شرایطی قیمت ارز حدود ۲۹ هزار تومان و نرخ تورم حدود ۳۵ درصد خواهد بود. همه این حالت‌ها مربوط به سال ۱۴۰۰ است و در شرایطی که برجام در نهایت به نتیجه برسد و تحریم‌های ایران لغو شود. با این وجود اگر برجام را نپذیریم یا به هر دلیل برجام به نتیجه نرسد صادرات نفت ایران به زیر ۷۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید و در چنین شرایطی نرخ ارز حدود ۴۰ هزارتومان و نرخ تورم حدود ۴۸ درصد خواهد بود. تورم به‌صورت مستقیم با قیمت ارز رابطه دارد. این سخن به معنای این است که اگر نرخ ارز را کنترل نکنید تأثیر آن روی نرخ تورم مشهود خواهد بود. به همین دلیل آقای رئیسی باید مقامات ارشد نظام را قانع کنند که پذیرش برجام به سود ملت ایران خواهد بود. از سوی دیگر پذیرش برجام به ضرر کاسبان تحریم در داخل و اسرائیل خواهد بود. برجام از جنبه‌های مختلف به سود اقتصاد ایران است. پایین آمدن قیمت ارز و تورم و به‌تبع آن، پایین آمدن واردات و هزینه‌های تبادل‌های مالی ایران از جمله مهمترین پیامدهای برجام برای اقتصاد ایران خواهد بود. آقای رئیسی باید برخلاف تبلیغاتی که دشمنان انجام داده‌اند، نشان دهد به دنبال تعامل با جامعه جهانی است و تلاش خواهد کرد چهره مثبتی از ایران در عرصه بین‌المللی به جهانیان نشان دهد. این به معنای وادادگی نیست؛ بلکه در شرایط کنونی ارتباط با جامعه جهانی در نهایت به سود منافع ملی ایران خواهد بود. ایشان باید تحریم‌ها را خنثی کند. بدون تردید سیاست‌های مبتنی بر تحریم قطعا تورم را افزایش خواهد داد. این وضعیت نیز به ضرر فقرا و نیازمندان و در مقابل به سود دلالان، کلاهبرداران و رانت‌خواران خواهد بود.

> اگر آقای رئیسی قصد دارد مشکلات اقتصادی را حل کند باید یک خط قرمز برای خود تعریف کند و آن اینکه حافظ منافع ملی مردم ایران باشد، امروز ایشان باید خود را رئیس‌جمهور همه مردم ایران بداند و به همه جریان‌های سیاسی و کسانی که از وی در انتخابات حمایت نکرده‌اند به صورت یکسان نگاه کند

اساسا آقای رئیسی دارای دیدگاهی است که با کشورهای جهان تعامل داشته باشد یا مانند برخی از طیف‌های سیاسی حامی ایشان تعامل با جهان در اولویت نخست سیاست‌های دولت بعدی قرار نخواهد داشت؟

اگر آقای رئیسی قصد دارد نامش به عنوان یک رئیس‌جمهور موفق در تاریخ ایران باقی بماند، باید با جهان تعامل داشته باشد و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را از بین ببرد. رویکرد ضدتحریم یکی از مهمترین رویکردهایی است که باید در دستور دولت آینده قرار داشته باشد. رویکرد ضدتحریمی باید در کوتاه‌مدت در دستور کار دولت رئیسی باشد. در بلندمدت رئیسی باید به دنبال تعامل با جامعه جهانی باشد. آقای رئیسی باید نسبت به این نکته آگاهی داشته باشد که اقتصاد فرمان و دستور نمی‌پذیرد و نمی‌توان از بالا به پایین به اقتصاد نگاه کرد. شرایط به شکلی نیست که ما دستور بدهیم تحریم‌ها از بین برود و در عمل چنین اتفاقی رخ بدهد. امروز وضعیت جامعه جهانی به صورتی است که تعامل با جامعه جهانی به سود ما خواهد بود. این تعامل باید با همه کشورهای جهان باشد. امروز ما بیش از پنج هزار میلیارد دلار از عراق طلبکار هستیم و بدهی این کشور به ایران به دلیل صادرات گاز، برق و... بوده است. این در حالی است که عراق این پول را به دلیل تحریم‌ها به ایران پرداخت نمی‌کند. این به معنای آن است که عراق منتظر چراغ سبز آمریکا برای برداشته شدن تحریم‌ها به منظور پرداخت پول ایران است. این وضعیت کشور دوست و برادر ماست که در آن شیعیان به قدرت رسیده‌اند. به همین دلیل رئیسی باید این نکته را در نظر داشته باشد و تحت‌تأثیر یک اقلیت تندرو قرار نگیرد. رئیسی باید بداند ابعاد فقر در جامعه ایران گسترش پیدا کرده و اقشار مختلف مردم را در گیر کرده است. امروز بخش عظیمی از جامعه در فقر و نداری غوطه‌ور هستند. این فقر و نداری به انواع و اقسام فساد در جامعه تبدیل شده است. بنابراین اگر دولت رئیسی سیاست مقاومت در مقابل تحریم‌ها را در پیش نگیرد به جامعه جهانی سیگنال منفی ارسال می‌کند. اگر رئیسی به سمت پذیرش برجام و برداشته شدن تحریم‌ها حرکت نکند شرایط اقتصادی ایران به مراتب بدتر نیز خواهد شد و کشور با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شود. بنابراین کار به‌جایی خواهد رسید که قیمت ارز به ۴۰ هزار تومان خواهد رسید و شاهد تورم ۴۸ درصدی خواهیم بود.

اگر رئـــیس جمهور به سمت اتخـــاذ مواضع تندروانه و همگامی با دلواپسان برود، چه اتفاقـــی بـــرای کشور و وضع مردم خواهد افتاد؟

این همان اتفاقی است که تندروها در اسرائیل به دنبال آن هستند. تندروهای داخلی و برخی از کشورهای منطقه‌ای خواهان چنین وضعیتی هستند. این در حالی است که رئیسی نباید تحت‌تأثیر این گروه‌ها قرار گیرد؛ بلکه باید تعامل با کشورهای جهان را در دستور کار خود قرار دهد. از سوی دیگر رئیسی باید در مدیریت داخلی کشور کسانی را به کار گیرد که از توانایی و دانش کافی برخوردار باشند. در دولت آقای روحانی افرادی مانند دکتر نیلی به کار گرفته شدند که از نظر تعهد و دانش در سطح بالایی قرار داشتند و منشأ خدمات زیادی نیز بودند. چنین فردی اقتصاد را به خوبی می‌شناسد و مثلا می‌داند بودجه یعنی چه. این در حالی است که کسانی وجود دارند که متوجه داستان نیستند و با الفبای اقتصاد و مدیریت اقتصادی نیز آشنایی ندارند. بنده از این مسأله هراس دارم که کسانی وارد دولت آینده شوند که حتی یک مدرسه را نیز اداره نکرده باشند. امیدوارم آقای رئیسی به دنبال تشکیل یک دولت فراجناحی با استفاده از ظرفیت همه نیروهای کارآمد باشد. چنین دولتی قطعا در مسیر منافع ملی حرکت خواهد کرد. افراد تحصیلکرده، مدیر و مدبر در ایران کم نیستند. همچنین ایران از نظر منابع انسانی در وضعیت خوبی قرار دارد. اگر قرار است فردی مانند زنگنه را از وزارت نفت کنار بگذارید باید کسی را پیدا کنید که از زنگنه قوی‌تر باشد، نه ضعیف‌تر. بنده روی تعامل دولت آینده با جهان، مقابله با تحریم‌ها و پذیرش برجام تأکید دارم. از سوی دیگر باید در درون کشور نظام تدبیر امور حاکم شود. نظام تدبیر امور به معنای حکمرانی خوب است. نظام تدبیر امور زمانی محقق می‌شود که بهترین مدیران کشور در زمینه‌های مختلف به کار گرفته شوند. نباید به دنبال افراد بله‌قربان گویی باشیم که تنها دستورات را اجرا می‌کنند. مشکلات کشور با مدرک حل نمی‌شود؛ بلکه نیازمند توانایی مدیریتی و هوشمندی است. به همین دلیل دولت آینده باید نظام تدبیر امور خود را براساس شایسته‌سالاری و انتخاب مدیران قوی انجام دهد. با اتخاذ چنین رویکردی دولت آینده به کشورهای جهان نیز سیگنال‌های مثبت خواهد داد. ما چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم ۶۵ درصد تجارت جهانی با دلار صورت می‌گیرد. در نتیجه دلار در تجارت جهانی به عنوان ارز مسلط شناخته می‌شود. به همین دلیل ما باید این نکته را در نظر داشته باشیم که تعامل با جهان به سود فقرا و ضعفاست و به هیچ‌عنوان به معنای وادادگی نیست.

فکر می‌کنید رئیسی کابینه فراجناحی را تشکیل خواهد داد؟

جریان‌های سیاسی و کسانی که از وی در انتخابات حمایت نکرده‌اند به صورت یکسان نگاه کند. حضور افراد ضعیف و ناکارآمد در دولت آینده کار را سخت خواهد کرد. اگر رئیسی در زمینه سیاست خارجی فردی بهتر از ظریف را سراغ دارد، آن را به جای ظریف قرار دهد، در غیر این صورت تغییری در این زمینه صورت ندهد. در گذشته ما وزیر خارجه‌ای داشتیم که در پای میز مذاکره قادر نبود به زبان انگلیسی صحبت کند. چنین فردی چگونه می‌تواند از منافع ملی حمایت کند. اگر رئیسی در کابینه خود از افراد باتجربه و توانمند استفاده کند به سود خود و روحانیت تمام خواهد شد. اگر رئیسی به دنبال این است که نام نیکی از خود برجای بگذارد باید منافع ملی ایران را حفظ کند. امروز منافع ملی ایران در تعامل با جامعه جهانی و از جمله کشورهای غربی است. امروز اگر یک شرکت آمریکایی یا اروپایی در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری کند به سود ماست نه کشورهای غربی. به همین دلیل نیز ما را تحریم کرده‌اند. به همین دلیل رئیسی باید سیاست ضدتحریم را در دستور کار خود قرار دهد. بدون تردید اتخاذ چنین تدبیری میزان فقر را در جامعه کاهش خواهد داد.

روحانی؛ تنهاترین سیاستمدار تاریخ ایران بعد از ریاست جمهوری

ادامه صفحه ۶ / درحالی که می توانست مقتدرانه مذاکرات را پیش برد و برجام را به نتیجه برساند ولی در عین حال روحانی با حمایت هاشمی به ریاست‌جمهوری رسید و عاقلانه‌ترین کار ممکن را که انتخاب ظریف به عنوان وزیر خارجه بود، انجام داد. در این میان ظریف یکی از بهترین حرکات سیاسی عمر خود را رقم زد و توانست با قطعنامه ۲۲۳۱ شش قطعنامه فصل هفتمی را ملغی کند. امری بی‌سابقه در مورد کشور ذیل فصل هفتم که بدون جنگ و حمله بلااثر شد. بارقه امیدی پدیدار شد و شرکت‌های بین‌المللی آمدند؛ سروکله اکثر کشورهای غربی پیدا شد و هتل‌ها مملو از تجار و بازرگانان خارجی شدند. میلیاردها دلار پول‌های بلوکه‌شده ایران بازگشت و خزانه خالی رونق گرفت و شروع به کار کرد اما متاسفانه سه دسته در جهت زمین گیر کردن برجام حرکت کردند که دقیقا همانی است که روحانی اشاره کرده که از گفتنش امتناع دارد. در جریان هستم که شرکت فورد حاضر بود تا سقف ۵ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری و در منطقه خاورمیانه تولیداتش را روانه بازار کند. اما از آنجا که نفع تندروهای داخلی در تحریم است، چون با دورزدن تحریم‌ها و معاملات واسطه‌ای است که سود می‌برند، در دسته اول تعریف می‌شوند. کشورهای منطقه؛ از عربستان گرفته تا اسرائیل دسته دوم را تشکیل می‌دادند و تندروهای آمریکایی هم سومین دسته که تاب تحمل رئیس‌جمهور سیاه‌پوستی را که برای اولین‌بار در کاخ سفید بود، نداشتند و البته بیشترین تاثیر را تندروهای داخلی داشتند. همان‌ها که همین الان سینه‌چاک می‌کنند که چرا آمریکا از برجام خارج شده، همان‌ها بودند که خواهان برچیده‌شدن برجام از بیخ و بن بودند. البته تاریخ قضاوت به‌حقی درباره ظریف خواهد کرد که سایه شوم جنگ را ازسر ایران دور کرده است. اما دولت روحانی در دور دوم هم مظلوم بود. انتخابات آمریکا را دونالد ترامپ برد و در اسرائیل هم برای سومین بار نتانیاهو به نخست‌وزیری رسید. در عربستان هم محمد بن سلمان، که جوانی جویای نام بود، ولیعهد شد. عملا راست‌افراطی آمریکا، اسرائیل و عربستان به‌اضافه رادیکال‌های داخلی علیه کلیت زندگی ایران بسیج شدند و اینگونه است که روحانی از جنگ اقتصادی سخن می‌گوید. زمانی اگر ایران تصمیم می‌گرفت شیر نفت خود را ببندد یا درصدی از صادرات نفتش را کم کند بازارهای جهانی به لرزه می‌افتادند؛ اما در قضیه قطعنامه‌های دوره احمدی‌نژاد؛ روسیه، عربستان و آمریکا جانشین ایران در بازار نفت شدند و ما الان خواهان خریدار نفت هستیم؛ درحالی قبل از این اگر اراده می‌کردیم، سهمیه اوپک را دستکاری کنیم، بازار جهانی به هم می‌ریخت. لذا روحانی در دور دوم در موضع تدافعی قرار گرفت. اگر در دوره اول در یک شرایط مساوی و بعضا پیروز در جبهه‌های مختلف توانست برجام را به نتیجه برساند، دلارها را به ایران سرازیر کند و سایه جنگ را کم کند، در دور دوم جنگ اقتصادی تنگاتنگی شکل گرفت و ترامپ از برجام خارج شد و یک‌سال بعد هم کرونا آمد. لذا عملا روحانی همانند سرداری شد که در چند جبهه می‌جنگید. در جبهه داخلی که اذیت می‌شد و ادامه همان بحران‌ها که برای سیدمحمد خاتمی درست می‌شد، برایش رقم خورد. در جبهه منطقه‌ای از نتانیاهو گرفته تا محمد بن سلمان بر او تاختند. کافی است وضعیت کشور را در نوار گفت‌وگو تاریخ شفاهی آقای ظریف جست‌وجو کنیم تا دریابیم روحانی چگونه توانسته بحران‌های مختلف را مدیریت کند. بحران دی ۹۶ و در خصوص موسسات مالی که ۳۷ میلیارد از جیب مردم پرداخت شد تا مملکت به جایی نرسد که دوباره کوپن حاکم شود. در عین حال روحانی با حمایتی که از بورس کرد و طبقه متوسط رو به پایین را بر آن داشت تا سرمایه‌های خود را وارد بورس کنند، برای خود در اذهان عمومی موقعیت قابل‌دفاعی باقی نگذاشت. اگر قرار باشد درباره روحانی و عملکردش قضاوت کنیم، باید بگوییم سینوس‌وار به عنوان شخصی بوده که توانسته سایه جنگ را از سر کشور بردارد و در جنگ اقتصادی مملکت را به صورت جنگ‌زده اداره نکند؛ در عین حال با تیم اقتصادی‌ای که داشته است در موارد عدیده‌ای متعرض به جیب مردم شدند و توسط تاریخ در این بخش بخشیده نخواهد شد. بخشی که روحانی را مجبور کرد ۳۷هزار میلیارد بدهی موسسات مالی را از جیب مردم بپردازد، از جمله مواردی است که قابل‌دفاع نیست. هرچند به باورم دکتر روحانی تنهاترین سیاستمداری است که از روز دوازدهم مرداد به بعد از او یاد خواهند کرد. حضرت آیتا... خامنه‌ای که بعد از ریاست‌جمهوری به رهبری رسیدند و آقای هاشمی به‌رغم نوساناتی که در زندگی‌اش در نگاه مردم داشتند از وقایع ۸۸ به بعد هر روز بر محبوبیت‌شان افزوده شده تا جایی که مراسم درگذشتش به حماسه تبدیل شد. سیدمحمد خاتمی کماکان محبوبیت و جایگاه سیاسی خود را دارد؛ هرچند دیگر تکرار نمی کند ولی همچنان پدر معنوی اصلاحات است. احمدی‌نژاد با نگاه پوپولیستی هنوز این توان را دارد که تاثیر گذار باشد و به همین علت دوبار توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شده است، چون موج‌سواری بر توده‌ها را بلد است اما روحانی بعد از پایان ریاست‌جمهوری حتی هیات وزیران خود را هم ندارد. روحانی برای خودش کاخ عاجی درست کرده بود که حتی وزرایش را هم به‌راحتی به حضور نمی‌پذیرفتند. با خنده‌ها و ادبیات گاهی جانسوزش مثل صبح جمعه متوجه شدم او هم در تاریخ ماندگار خواهد شد.

یادداشـــت

آقای رئیسی هوشیار باشد

رضا جعفری
تحلیلگر مسائل اجتماعی

با ادامه‌دار شدن اعتراضـــات کارگـــران هفت‌تپه، مردم استان خوزستان و به تبع آن چند شهر دیگر کشور، کشاورزان اصفهان و... در پی اعتراضات دی ماه ۹۷ و آبان ۹۸، در این نوشتار برآنیم تا به‌گونه‌ای مختصر به این پرسش پاسخ دهیم که چرا اعتراضات در دولت‌های یازدهم و دوازدهم (روحانی) رو به افزایش نهاد؟ بررسی اعتراضات در طول دو دهه اخیر نشان داده است که اگر نگوییم همه (جز در مواردی که صنفی بوده است)، بلکه غالب آنها از سوی بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان تحت عنوان هواداران اصلاح‌طلبی در هر دوره و زمانی بنا به دلایل و خواسته یا خواسته‌هایی صورت پذیرفته است که اگر بخواهیم بهترین و مهم‌ترین کلیدواژه را در چراییِ اعتراضات و افزایش آنها در دولت‌های یازدهم و دوازدهم برگزینیم «ناامیدی» است. راقم این سطور اعتراضات را از حیث هویت به دو نوع تقسیم می‌کند: اعتراضاتی که چنانچه آنها را بر اساس هرم مازلو مورد بررسی قرار دهیم، در راستای رسیدن به سطوح میانی هرم و با هدف دستیابی به آزادی‌های فردی و اجتماعی بیشتر، برابری حقوق زن و مرد، آزادی مطبوعات و در یک کلام آزادی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... صورت می گیرد که می‌توان از آنها با نام «اعتراضات مدنی»، «آرام» یا « نرم» یاد کرد که در قالب صدور بیانیه، و... ظهور و بروز می‌نماید. اعتراضات سخت یا خیابانی که با حضور در کف خیابان همراه با شعارهای مبتنی بر خواسته‌ها صورت گرفته و احتمالا با خشونت همراه باشد. با عنایت به تعاریفی که از ۲ نوع اعتراض شد، باید گفت آغاز اعتراضات نسبت به شرایط فرهنگی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی با حضور حداکثری آحاد مردم در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۹۶، با برکشیدن کاندیدایی (آقای خاتمی) که احساس می‌شد می‌تواند به خواسته آنها جامه عمل بپوشاند، شکل گرفت؛ اما، ناتوانی برآورده کردن تمامی یا حدی از انتظارات و خواسته‌های رأی دهندگان در دولت‌های هفتم و هشتم، ناامیدی نسبی را در بین برخی هواداران جریان اصلاح‌طلبی ایجاد کرد. به‌گونه‌ای که با شرکت حداقلی در انتخابات ۸۴ و روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد، عملکرد دولت نهم آنها را پشیمان از عدم شرکت در انتخابات مذکور کرده، با امید به ادامه راه سال ۷۶ و ۸۰ در رسیدن به آنچه خواسته آنها بود، مجددا با حضور در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸، حوادث به‌وجود آمده و عدم آنچه که انتظار داشتند، عزم آنها را به شرکت در انتخابات ۹۲ و ۹۶، در واهمه از ادامه راه دولت‌های نهم و دهم از یکسو و وعده‌های پرطمطراق آقای روحانی از سوی دیگر جزم کرد؛ اما احساس عدم عمل به وعده‌ها، بالاخص در دولت دوازدهم، همراه با فشارهای اقتصادیِ حاصل از فزونیِ تحریم‌های ناشی از خروج آمریکا از کشور و قطع نسبتا کامل مبادلات اقتصادی، این بار نهال ناامیدی و یاس تقریبا مطلق از آنچه که انتظارش را در بهبودی اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... می پنداشتند، نه تنها نسبت به رئیس جمهور برآمده از حمایت اصلاح‌طلبان که از جریان اصلاح‌طلبی، بارور شد؛ به‌گونه‌ای که با رویگردانی از اصلاح‌طلبان، همراه با اعتراضات خیابانی در قالب جشن قهرمانی تیم فوتبال همراه با شعارهای سیاسی، ظهور و بروز یافت. در این امر آنچه مسلم می‌نماید نقش انواع رسانه‌ها اعم از حقیقی و مجازی در آگاه سازی و افزایش سطح انتظارات مطالبه‌گران بی‌تاثیر نبوده است، اما اکنون ضروری است که آقای رئیسی که بر کرسی دومین قدرت رسمی کشور تکیه زده‌اند به هوش باشند تا آنچه را که بر اصلاح‌طلبان و جریان اصلاح‌طلبی رفت، بر جریان اصولگرایی و اصولگرایان نرود وگرنه همانی را درو خواهند کرد که دولت‌های یازدهم درو کردند. آنگاه پاسخی برای مردم باقی نخواهد ماند.

نگـــاه

اولویت‌های دولت سیزدهم

ادامه از صفحه اول / بودجه غیرواقعی برخلاف نظر دولت قبل تنظیم کردند تا دولت بعدی را زمین‌گیر کنند. اکنون به‌نظر می‌رسد که دولت سیزدهم باید طرح اصلاح بودجه دهد تا بی‌جهت هزینه‌های بی‌مورد را بر کشور تحمیل نکند و به نمایندگانی که پروژه‌هایی برای حوزه‌های انتخابیه‌شان طراحی کردند، اجازه ندهد که بتوانند از نمد خالی برای خودشان کلاهی بسازند، چون بودجه و درآمدی آنچنان نداریم که بخواهند پروژه‌های جدید را ساماندهی کنند. بودجه ۱۴۰۰ را بر مبنای بودجه عملیاتی تنظیم کنند. یکی از کارهای بسیار نامناسب در کشور ما نحوه بودجه‌ریزی ماست که به هدر دادن منابع کشور می‌انجامد. دنبال بودجه عملیاتی بروند و اگر این کارها انجام بگیرد، امسال بارقه امیدی در دل مردم به‌وجود می‌آید به‌گونه‌ای که هم آنها که رای دادند، امیدوارتر می‌شوند وهم آنها که رای ندادند احساس می کنند کشور از حالت رکود به حالت تحرک درآمد. این بارقه امید باعث می‌شود آنها هم که اندیشه و فکر و نظرات اصلاحی دارند، وارد میدان شوند و نظرات و پیشنهادات خود را در اختیار تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور قرار دهند.

دیدگـــاه

تولید رانت؛ تنها مزیت قیمت‌گذاری دستوری

ادامه از صفحه اول / اگر میزان تقاضا بیشتر است، طبیعتا تحت‌تاثیر رفتارهاست. کدام منطق در اقتصاد می‌پذیرد که بخشی از جامعه را با رویکرد قیمت ترجیحی تعریف کنیم و بخشی دیگر از جامعه را آزاد بگذاریم؟ اگر میزان عرضه بیشتر است، نظام تنظیم‌گری همین قواعد بازار سرمایه است که می‌تواند به تعادل‌بخشی ختم شود. باید توجه داشت که آمارهای منتشرشده از رانت ناشی از قیمت‌گذاری دستوری علاوه‌بر فولاد در سایر کالاهای استراتژیک نیز وجود داشته به طوری که برخی از شنیده‌ها از رانت بیش از ۷ هزار میلیارد تومانی در حوزه پتروشیمی در یک سال گذشته خبر می‌دهند که نشان‌دهنده عدم‌موفقیت سیاست‌های دولت در این زمینه بوده است. باید این موضوع را مد نظر داشته باشیم که قیمت‌گذاری دستوری که به تصور برخی کاهش قیمت‌ها را رقم می‌زند، عملا نفعی برای مردم ندارد. در این رابطه یکی از مهمترین مطالبات کمیسیون اقتصادی در خلال چند ماه گذشته ورود کلیه مراحل مربوط به چرخه فولاد در بورس کالا، نرخ‌گذاری‌ها براساس رویکرد رقابتی، تاثیرگذاری در حوزه بازار جهت کاهش نرخ و نیز بهره‌مندی مردم از قیمت‌های واقعی بوده است که البته در خصوص سایر کالاها نیز مورد بررسی و پیگیری قرار گرفته است. البته با تغییر دولت و برنامه‌ها و سیاست‌هایی که رئیس‌جمهور منتخب در زمینه تولید و بورس اعلام کرده‌اند احتمالا در آینده نزدیک شاهد کاهش مداخلات دولت در بازار و قیمت‌گذاری‌ها خواهیم بود.

فرارو

حسین کاشفی:

مجلس و دولت محل کار آموزی نیست

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره اینکه امروز جریان اصلاحات برای پاسخ دادن به مسائلی که مطرح شده است چه باید بگوید و چه سازوکاری را باید تعبیه کند تا گفتمان اصلاحات علاوه بر بازنگری و بازسازی به عرصه اجتماعی بازگردد اظهار کرد: قبل از اینکه به بحث اصلاحات و اصلاح‌طلبان وارد شویم، باید به انتخاباتی که برگزار شد، بپردازیم. در انتخاباتی که برگزار شد، مردم انتقاداتی نسبت به مجموعه نهادهای حاکمیتی اجرایی و نظارتی داشتند و با عدم شرکت در این انتخابات چه آنهایی که شرکت کردند و چه کسانی که رای سفید دادند این پیام را به حاکمیت دادند. حسین کاشفی گفت: هنگامی که مردم مشاهده می‌کنند به جایگاه و خواسته‌هایشان توجهی نمی‌شود و مورد بی‌حرمتی و تحقیر قرار می‌گیرند، واکنش نشان می‌دهند. وی با بیان اینکه طبق قانون اساسی این مردم هستند که سرنوشت خودشان را تعیین می‌کنند و باید تصمیم‌گیر باشند، افزود: در نظر گرفتن این حق و حقوق نباید فقط در حرف و شعار باشد، بلکه ما باید آن را اجرایی کنیم. به طور مثال فرض کنید مردم می‌خواهند در انتخابات شورای شهر و مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و ریاست جمهوری بر سرنوشت خودشان اثرگذار و نماینده داشته باشند که بتوانند هر کدام از آنها را برای این نهادها انتخاب کنند، اما عملا آنها را نهادهای نظارتی محدود می‌کنند درصورتی این حق مسلم‌شان است که به این شکل پاسخ دهند بنابراین اگر قرار است یک تغییر اصلاحی داشته باشیم، باید در رویه‌ها هم یک اصلاح صورت گیرد. عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران تاکید کرد: افرادی که انتخاب می‌شوند باید بدانند برآمده از رأی مردم هستند و برای اجرای عدالت نسبت به حق آنان قرار است نظارت داشته باشند نه اینکه جلوی این حق را بگیرند؛ هرچند که این اتفاق در حال رخ دادن است و امروز عده‌ای خودشان را به جای مردم که صاحبان کشور هستند می‌گذارند و برای آنها تعیین تکلیف می‌کنند که این کار نه با قانون اساسی تطابق دارد و نه برگرفته از دموکراسی است. وی ادامه داد: هنگامی که قانون اساسی را ملاک قرار می‌دهیم در این قانون جایگاه مردم روشن و مشخص است، باید بتوانند از حقوق شهروندی برخوردار باشند، پیشنهاد دهند، نقد کنند و در همه زمینه‌ها صاحب‌نظر باشند مانند کسی که در رابطه با خانه خودش احساس مسئولیت می‌کند در رابطه با کشور هم باید همین گونه باشد، چراکه کشور متعلق به همه مردم است و آنها باید بتوانند این اختیار را داشته باشند برای اداره هر چه بهتر کشور نظراتشان ارائه دهند. وی بیان کرد: اصلاح‌طلبی و تفکر اصلاح‌طلبان از بین نرفته است، این تفکر بیش از چندین سال است که وجود دارد اصلا امام حسین علیه السلام برای اصلاح امور قیام کرد پس همیشه اصلاح‌طلبی بوده است و خواهد بود. عده‌ای در سال ۹۷ شعار دادند که اصلاح‌طلب اصولگرا پایان ماجرا است، اما باید بگوییم تفکر اصلاح‌طلبی وجود دارد برای اینکه اصلاح‌طلبی یعنی اخلاق‌گرایی قانون‌گرایی، مسئولیت پذیری، برخورد با رانت و فساد و تبعیض را در خورد دارد که اصلاح‌طلبان همیشه این نکات را مدنظر داشته‌اند. وی ادامه داد: اما اینکه اصلاح‌طلبان امروز چه کاری باید انجام دهند و چه کنند این است که ابتدا باید با مردم بیشتر صحبت کنیم، باید به نهادهای صنفی توجه کنیم. مردم باید در تعیین سرنوشتشان دخیل باشند؛ درست است که این مورد در قانون اساسی گفته شده است اما باید پررنگ‌تر شود بنابراین احزاب باید جایگاه خودشان را در کشور پیدا کنند و به اعتقاد من تحزب در کشور باید به وجود بیاید برای اینکه ما به یک زندگی سالم نیازمندیم. کاشفی تصریح کرد: دولت جدید آماده است اینکه فرد اصولگرا است یا اصلاح‌طلب مطرح نیست او باید از همه نیروهایی که احساس می‌کنند می‌توانند دست به دست هم دهند و کشور را به سمت و سویی بهتر ببرند، استفاده کند. آقای رئیسی در دوران انتخابات مسائلی را مطرح کردند که امروز باید عملیاتی کنند که این کار از پس نیروهای مستعد بر می‌آید. وی خاطرنشان کرد: با آزمون و خطا نمی‌شود به حل مشکلات رسید، مانند آنچه که امروز می گوییم یک جوان را به مجلس راه دادیم؛ که نتیجه‌اش می‌شود قانونی را تصویب می‌کند که پایه حقوق یک فرد را از ۲۱ برابر به ۱۵ برابر می‌رساند آن هم در حساس‌ترین جاها مانند سکوها و شرکت‌های نفتی که اتفاقات بد را رقم می‌زند. کشور که عرصه آزمون و خطا نیست هر کسی را بیاوریم. مجلس که دوران کارآموزی نیست وزارت و مدیریت که دوران کارآموزی نیست فردی را بیاوریم و بگذاریم بلکه باید افرادی را انتخاب کنیم که بتوانند کشور را از این وضعیت نجات دهند.

نکتـــه

امیررضا واعظی آشتیانی:

در انتخاب شهردار از سیاسی کاری پرهیز شود

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص حضور برخی نمایندگان در عرصه رقابت برای انتخاب شهردار تهران گفت: افرادی که از مردم در شهرهای مختلف رأی می گیرند تا راهی مجلس شوند، در واقع مردم به آنها اعتماد کرده‌اند تا طی چهارسال با حضور در جایگاه نمایندگی مطالبات آنها را مطرح و دنبال کنند. این درست نیست که یک نماینده‌ای برای چهار سال از مردم رأی بگیرد اما تکلیف اینکه این چهار سال را در کرسی نمایندگی بماند یا به جای دیگری برود در دست خودش باشد، چنین مساله‌ای منصفانه و منطقی نیست. امیررضا واعظی آشتیانی اظهار داشت: در عین حال جز بدبینی برای کسانی که رأی داده‌اند به این دسته از نمایندگان، دستاورد دیگری نخواهد داشت. نمایندگان منتخب مردم نباید از کرسی نمایندگی به عنوان نردبان ترقی و پیشرفت خودشان استفاده کنند. همچنین اگر نیت خدمتگزاری به مردم است تلاش کنند که در حوزه نمایندگی آن را به درستی انجام دهند و جواب حسن اعتماد مردم را بدهند. وی افزود: نمایندگان شورای شهر در تهران یا هر شهر دیگری باید از بازی‌های سیاسی، باندی و حتی رفاقتی پرهیز داشته باشند و فردی را انتخاب کنند که شایستگی‌های لازم را برای نشستن بر کرسی شهرداری داشته باشد. افرادی که سابقه اجرایی ندارند یا اگر دارند افراد موفقی در کار اجرا نبودند به‌نظر می‌رسد که انتخاب مناسبی نخواهند بود؛ لذا برای اینکه حسن نیت خود را به موکلین خود نشان دهند باید یک انتخاب اصلح را دنبال کنند و نکته بعد اینکه تجربه شوراهای اول و پنجم را در ذهن داشته باشند. واعظی آشتیانی تصریح کرد: انتخاب شهردار باید دور از حواشی سیاسی باشد، اصلا جایگاه شورای شهر جایگاهی نیست که زد و بند سیاسی بخواهد اتفاق افتد یا بازی‌های سیاسی بخواهد انجام شود، یا اینکه رفاقت بخواهد جایگزین شاخص شود. شورای شهر جایگاه سیاسی نیست، بلکه یک کرسی فنی، عمرانی، اجتماعی و فرهنگی است و مردم هم از شورای شهر همین را انتظار دارند.